«مرتضی مطهری» عالی‌ترین الگوی تعلیم و تربیت

9 اردیبهشت 1405

نام مرتضی مطهری در حافظه تاریخی معاصر ایران تنها به عنوان یک استاد ممتاز فلسفه یا یک روحانی روشن اندیش ثبت نشده است. بلکه او نمونه‌ای استثنایی از معلمی که تعلیم را نه صرفا یک حرفه؛ بلکه رسالتی اجتماعی؛ اخلاقی و تمدنی می‌دانست.

روز معلم در ایران بی‌تردید از معنای عمیق‌تری برخوردار نمی‌شد اگر به یاد و نام او گره نمی‌خورد. زیرا مطهری در میان چهره‌های فکری معاصر؛ یکی از معدود کسانی است که میان دانش؛ تربیت؛ آزادی اندیشه؛ شجاعت معرفتی؛ اخلاق؛ و حضور اجتماعی پیوندی مستحکم برقرار کرد.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مطهری توانایی او در ایجاد پل بین سنت‌های عمیق فکری ایران اسلامی و نیازهای دنیای مدرن بود. بر خلاف برخی از متفکران عصر خود که یا شیفته مدرنیته بودند یا در سنت محصور ماندند مطهری توانست از دل سنت فلسفی و کلامی ایران عناصر زنده و پویا را استخراج کند.

با مسائل جدید انسان معاصر از آزادی تا عدالت پیوند برقرار نماید و نشان دهد که سنت نه سد راه تحول بلکه ذخیره‌ای برای نوزایی فکری است. او در آثار مختلف خود از عدل الهی تا مسئله شناخت و انسان و سرنوشت تلاش کرد به مسائلی پاسخ دهد که اغلب روشنفکران دینی و غیر دینی نیز مشغول آن بودند. اما تفاوت مهم او ریشه‌داری در سنت و آشنایی عمیق با اندیشه‌های جدید غربی بود. مهم‌ترین بُعد شخصیت مطهری که به ویژه با روز معلم پیوند می‌خورد نگرش او به تعلیم و تربیت است.

به نظر او معلم نباید فقط انتقال دهنده محفوظات باشد بلکه باید محرک فکر؛ پرورش‌دهنده روح پرسش‌گری و برانگیزاننده استقلال فکری باشد. مطهری در کلاس‌های درس خود چه در دانشگاه تهران و چه در حوزه علمیه به دانشجویان می‌گفت که حقیقت همواره از سوال آغاز می‌شود. این رویکرد او را در میان متفکران دینی متمایز کرد. زیرا بر خلاف فضای غالب حوزه‌های سنتی که پرسش‌گری را تهدید تلقی می‌کرد مطهری معتقد بود ایمان بدون پرسش، سطحی و ناپایدار است. دانش بدون نقد به جمود می‌انجامد و معلمی که از پرسش بترسد رسالت خود را ناقص انجام داده است.

مرتضی مطهری نوعی روشنفکری اجتماعی را نمایندگی می‌کرد. او فردی دانشگاهی بود که پشت درهای بسته نماند بلکه وارد میدان‌های واقعی جامعه شد. مطهری بر این باور بود که روشنفکر و عالم دینی اگر در جامعه حضور فعال نداشته باشد در حقیقت وظیفه خود را انجام نداده است. همین حضور اجتماعی و صراحت او نهایتا به شهادتش ختم شد. زیرا دشمنان، قدرت روشنگری او را تهدیدی جدی می‌دیدند. عقلانیت برای مطهری صرفا یک ابزار نبود بلکه اصل بنیادین در فهم دین اخلاق و جامعه به شمار می‌رفت. او با خرافه و تحجر بی‌رحمانه برخورد می‌کرد. در تحلیل مسائل اجتماعی به سراغ علت‌های

واقعی می‌رفت نه توجیهات سطحی. به عقل جمعی و گفت‌وگوی آزاد معتقد بود. می‌گفت: جامعه‌ای که عقل در آن تضعیف شود اسیر احساسات زودگذر؛ هیجانات بی‌بنیاد و انحراف‌های فکری می‌شود. این نگاه امروز نیز برای معلمان؛ روزنامه‌نگاران و روشنفکران حیاتی‌ست.

اگر چه مطهری فیلسوف و متفکر بود؛ اما در نگاه او فلسفه بدون اخلاق معنا نداشت. اخلاق در اندیشه او، رفتاری ظاهری نبود بلکه بر آمده از انتخاب‌های آگاهانه و آزادانه فرد بود و تکیه بر کرامت انسانی داشت. او می‌گفت انسان باید چنان تربیت شود که ابتدا خود را بشناسد و بعد مسئولیت بپذیرد و به جای تقلید به فهم تکیه کند. روز معلم در ایران تنها یک مناسبت تقویمی نیست بلکه یک یادآوری است.

یادآوری این که معلمی شغل نیست نقش آفرینی در آینده جامعه است. یادآوری اینکه مربیان ستون‌های اصلی امنیت فرهنگی جامعه‌اند و یادآوری اینکه معلم باید شجاعت؛ آزادی اندیشه و نقدپذیری را به نسل‌ها منتقل کند. انتخاب روز شهادت مطهری برای نام‌گذاری روز معلم انتخابی نمادین است تا نشان دهد که معلم واقعی کسی ست که برای حقیقت هزینه می‌دهد و از اندیشه نمی‌ترسد و به رسالتش وفادار می‌ماند حتی اگر خطر در کمینش باشد.

امروز جامعه ایران در گذارهای بزرگ اجتماعی؛ هویتی و فرهنگی قرار دارد. در چنین وضعیتی میراث فکری مطهری می‌تواند راهنمایی برای چند حوزه کلیدی باشد. ضرورت عقلانیت و گفت‌وگوی آزاد در آموزش. نیاز به احیای کرامت و هویت انسان در برابر سیطره تکنولوژی. مبارزه با تحریف‌ها و افراط‌گرایی. تربیت نسل‌هایی که بتوانند هم به سنت خود وفادار باشند و هم جهان جدید را بفهمند. مطهری اگر امروز زنده بود احتمالا بیش از هر چیز به بحران تفکر اشاره می‌کرد؛ بحرانی که ریشه بسیاری از مشکلات فرهنگی و اجتماعی امروز است. استاد مرتضی مطهری تنها یک شخصیت تاریخی نیست که یک نوع معلم است.

معلمی که عقلانیت را بر احساس ترجیح می‌دهد. پرسش‌گری را بر تقلید. حقیقت را بر مصلحت و آزادی اندیشه را بر راحتی و سکوت. روز معلم اگر به نام او گره خورده به خاطر همین الگوست. الگویی که هنوز زنده است و می‌تواند معیاری باشد برای سنجش کیفیت آموزش؛ آزادی فکری؛ اخلاق علمی و مسئولیت پذیری اجتماعی در ایران امروز.

محمدرضا رجایی‌پور